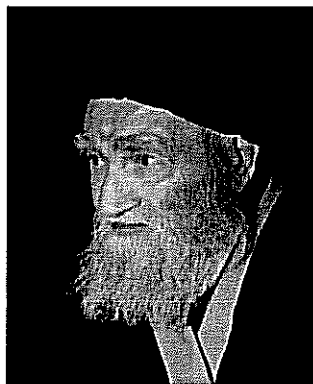


درگذشت پدرش، در مسجد کولانج همدان به وعظ و ارشاد پرداخت (همانجا). حسینی در ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۴۱۷/ ۸ مهر ۱۳۷۵ در همدان وفات یافت. پیکرش، پس از تشییع با شکوه، به مشهد انتقال داده



سیدمحمد حسینی همدانی

شد و در دارالزهد حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام به خاک سپرده شد (همان، ص ۹۳).

برخی از آثار منتشر شده وی عبارت‌اند از:

۱) انوار درخشان در تفسیر قرآن، که مهم‌ترین اثر وی و تفسیر فارسی همه قرآن است. این تفسیر در هجده مجلد در ۱۳۸۰، به اهتمام محمدباقر بهبودی، در تهران انتشار یافت. از ویژگیهای تفسیر انوار درخشان، استناد و توجه فراوان مؤلف به اخبار و روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام است (برای نمونه ج ۱، ص ۸۱، ۱۱۳، ۱۳۰-۱۳۱، ج ۸، ص ۲۷۴، ۳۱۴، ج ۱۲، ص ۴۸-۴۹، ۱۳۵، ۱۸۸، ج ۱۸، ص ۵۰، ۱۰۷-۱۰۸، ۲۲۴-۲۲۵). با این حال، وی به نقل اخبار و روایات اهل‌بیت بسنده نکرده، بلکه پس از پاره‌ای توضیحات لغوی و نحوی و بیان برخی لطایف و اشارات، به تفسیر و تحلیل آیه پرداخته است. گاهی نیز با عبارتهای پیچیده و سنگین و با استفاده از اصطلاحات و تعبیرهای اهل معنا و معرفت، آیات را تفسیر کرده است (برای نمونه ج ۱، ص ۸-۳۴، ج ۱۶، ص ۲۸۲-۲۸۵). همین ویژگی، موجب شده که بهره‌گیری از این تفسیر به گروهی خاص اختصاص یابد (ایازی، ص ۱۶۵). وی همچنین به روش تفسیر قرآن به قرآن توجه داشته است (همان، ص ۱۶۷؛ برای نمونه ج ۱، ص ۱۹-۱۲۰، ج ۳، ص ۳۶).

۲) درخشان پرتوی از اصول کافی، در شش جلد، که شرح کتاب‌التوحید کافی است. (۳) معاد جسمانی و روحانی.

۴) مسیحا مژده مهدی موعود (انصاری‌قمی، ص ۹۲-۹۳). آثار منتشر نشده وی عبارت‌اند از: تقریرات درس اصول میرزای نائینی (از مباحث الفاظ تا تعادل و تراجیح)؛ تقریرات درس فقه محقق اصفهانی (بحث مکاسب)؛ تقریرات درس اصول محقق اصفهانی؛ و رساله‌های متعدد در فلسفه، کلام و شرح احادیث اخلاقی (همان، ص ۹۳).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: نعباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد ۱۴۰۴؛ ناصرالدین انصاری‌قمی،

بیست‌وپنج ساله ایران: از کودتا تا انقلاب، تهران ۱۳۷۱ ش؛ احسان نراقی، در خشت‌خام: گفتگو با احسان نراقی، [گفتگوکننده]: ابراهیم نبوی، تهران ۱۳۷۹ ش؛ یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، کتاب ۱، زیرنظر عبدالکریم سروش، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰ ش؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۷: شهید حجة‌الاسلام فضل‌الله مهدیزاده محلاتی، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲ ش؛ حسن یوسفی‌اشکوری، شریعتی، ایدئولوژی، استراتژی، تهران ۱۳۷۷ ش؛

Ervand Abrahamian, *Iran between two revolutions*, Princeton, N.J. 1983; Ali Rahnama, *An Islamic utopian: a political biography of Ali Shari'ati*, London 2000.

/محبوبه جودکی /

حسینی هروی ← امیرحسینی هروی

حسینی همدانی، سیدمحمد، فقیه و مفسر امامی معاصر. وی در ۱۳۲۲ در نجف، در خانواده‌ای اهل علم و تقوا، به دنیا آمد (حسینی همدانی، ۱۳۶۷ ش، ص ۳۵). پدرش، سیدعلی‌بن سیدکاظم همدانی، معروف به میرسید علی عرب، از شاگردان آخوند خراسانی، میرزاحسین خلیلی تهرانی، سید محمدکاظم یزدی (مؤلف عروة‌الوثقی) و ملاحسینقلی همدانی (استاد مشهور سلوک و اخلاق)، و از نوادگان محقق اعرجی علامه سیدمحسن حسینی کاظمی بود (آقابزرگ طهرانی، قسم ۴، ص ۱۵۰۷؛ انصاری قمی، ص ۹۲). وی در کتاب انوار درخشان (ج ۱، ص ۳) از خود با نام سیدمحمد حسینی نجفی‌عربزاده یاد کرده است. سیدمحمد در ۱۳۳۰ به همراه پدرش به همدان رفت و به تحصیل علوم دینی نزد وی پرداخت (حسینی همدانی، ۱۳۶۷ ش، همانجا). در ۱۳۴۳ به نجف بازگشت و نزد سیدمحمدهادی میلانی^۵ و آقا عماد رشتی، مرحله سطوح را تکمیل کرد و پس از آن، در ۱۳۴۵ در آخرین دوره درس اصول میرزامحمدحسین نائینی^۶ حاضر شد و مورد توجه وی قرار گرفت (همان، ص ۳۵-۳۶) تا آنجا که میرزای نائینی او را به دامادی خود برگزید (ایازی، ص ۱۶۴). وی در درسهای فقه، اصول، کلام و فلسفه شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و سیدحسین بادکوبه‌ای نیز حاضر می‌شد و در کنار آن در حلقه درس اخلاقی عالم اخلاقی نجف، سید عبدالغفار مازندرانی، نیز شرکت می‌جست. سیدمحمد پس از تکمیل مدارج علمی نزد استادانی چون آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدکاظم شیرازی، در ۱۳۲۷ ش به همدان بازگشت و به تألیف و تدریس و امامت نماز جماعت پرداخت و پس از

درگذشت حضرت آیت‌الله آقانجفی همدانی، آینه پژوهش، سال ۷، ش ۴ (مهر - آبان ۱۳۷۵)؛ محمدعلی یاززی، المفسرون: حیاتهم و منهجهم، تهران ۱۴۱۴؛ محمد حسینی همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۰؛ همو، مصاحبه با استاد آیت‌الله حسینی همدانی (نجفی)، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهار و اسفند ۱۳۶۷).

/ ناصرالدین انصاری قمی /

حشاشین ← حشیشیه

حشاش ← دیوسکوریدس

حشر، سوره، پنجاه و نهمین سوره قرآن کریم در ترتیب مصحف و یکصد و یکمین سوره در ترتیب نزول. این سوره پس از سوره بینه^۵ و پیش از سوره نصر^۶ نازل شده است (مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۱۰-۱۲؛ زرکشی، ج ۱، ص ۱۹۴). دارای ۲۴ آیه است و مفسران درباره مدنی بودن آن اتفاق نظر دارند (طوسی، ج ۹، ص ۵۵۸؛ ابن عطیه، ج ۱۵، ص ۴۵۹؛ قرطبی، ج ۱۸، ص ۱). نام سوره از آیه دوم آن گرفته شده است. حشر در لغت به معنای گرد آوردن همراه با راندن (ابن فارس، ذیل «حشر»؛ عسکری، ص ۱۸۸-۱۸۹) یا بیرون کردن گروهی از خانه‌هایشان به منظور شرکت در جنگ و مانند آن (راغب اصفهانی، ذیل «حشر») است و در این آیه به بیرون راندن یهودیان قبیله بنی‌نضیر از سرزمینشان اشاره دارد. بنا بر روایتی، ابن عباس - برای اینکه گمان نشود منظور از حشر در این سوره قیامت است (ابن حجر عسقلانی، ج ۸، ص ۵۱۰) - این سوره را النضیر نامیده است (بخاری، ج ۶، ص ۵۸؛ ابن عربی مالکی، قسم ۴، ص ۱۷۶۴؛ قس طبرسی، ج ۹، ص ۳۸۷؛ سیوطی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۱۹۵، که نام سوره را در روایت مورد استناد، بنی‌النضیر آورده‌اند). در دست‌بندی سوره‌ها، این سوره را در شمار ممتحنات و مسبحات و سوره مفضل قرآن (برای آگاهی از این سه اصطلاح ← سوره^۷) آورده‌اند (سیوطی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۲۱، ۲۲۴؛ رامیار، ص ۳۶۰، ۵۹۵-۵۹۶).

در آیه دوم این سوره، اشاره شده است که خدا قبیله بنی‌نضیر را، در پی پیمان‌شکنی ایشان، از مدینه اخراج کرد (برای آگاهی از سبب نزول ← واحدی‌نیشابوری، ص ۲۹۷-۲۹۸؛ طبرسی، ذیل آیه). اگرچه مفسران درباره معنای «أَوَّلِ الْاَحْشَر» در این آیه اقوال متعددی ذکر کرده‌اند (برای نمونه ← طبرسی؛ فخر رازی؛ قرطبی، ذیل آیه)، به نظر می‌رسد که منظور از آن یا اولین اخراج یهود از جزیره العرب (← طباطبائی؛ فضل‌الله، ذیل آیه) یا اخراج یهود در آغاز اجتماع و صف‌کشی در مقابل مسلمانان و اشاره به قدرت الهی (قاسمی؛ ابن عاشور، ذیل آیه) است. طبق این آیه،

هیچ‌یک از دو گروه مؤمن و کافر در ابتدا گمان نمی‌کرد چنین امری محقق شود، اما خدا ترس را بر دل‌های کافران (یهودیان بنی‌نضیر) افکند، به گونه‌ای که خانه‌هایشان را با دست خودشان و مؤمنان تخریب کردند (برای تفصیل بیشتر ← بنی‌نضیر^۸).

در آیه ششم و هفتم این سوره حکم اموالی را بیان می‌کند که از یهود بنی‌نضیر پس از ترک مدینه، برجای‌مانده و از آنها به فیء تعبیر کرده است. با توجه به آیات ششم تا دهم این سوره و تفسیر این آیات، فیء مالی است که بدون جنگ و خون‌ریزی به مسلمانان می‌رسد و این اموال متعلق به خدا، پیامبر، ذی‌القربی، یتیمان، بی‌نویان و در راه ماندگان است (برای تفصیل ← فیء^۹) و در آیات هشتم تا دهم، مهاجران، انصار و کسانی که بعد از آنان یا بعد از هجرت اسلام آورده‌اند و استطاعت مالی ندارند، را از سهم‌داران این اموال برشمرده است (طوسی؛ ابوالفتوح رازی؛ قرطبی؛ طباطبائی؛ ذیل آیات). بنا بر منابع فقهی، تقسیم این اموال بین افراد نام‌برده شده در آیه در حیات پیامبر برعهده ایشان و پس از آن حضرت برعهده جانشینان ایشان است (برای نمونه ← قطب‌راوندی، ج ۱، ص ۲۵۰؛ مقدس اردبیلی، ص ۲۱۴).

سیدقطب، مفسر معاصر مصری، درباره آیه هفتم این سوره اظهار نظر کرده که این آیه، متضمن یکی از مهم‌ترین اصول اقتصادی اسلام است و در آن برای مالکیت فردی - که در اسلام به رسمیت شناخته شده - حد و مرز تعیین می‌کند و آن این است که داراییهای جامعه اسلامی، در حالی که نیازمندان به آن احتیاج دارند، نباید در دست ثروتمندان انباشته گردد (ذیل آیه). مفسران شیعه نیز در تفسیر این آیه که در آن آمده: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»، آن را منحصر به بحث فیء ندانسته بلکه آن را به وجوب التزام به تمام اوامر پیامبر تعمیم داده‌اند (برای نمونه ← طوسی؛ ابوالفتوح رازی، ذیل آیه). علاوه بر این، طباطبائی (ذیل آیه) افزون بر لزوم تبعیت از اوامر تشریحی، از این آیه لزوم پیروی از اوامر ولایی پیامبر را نیز نتیجه گرفته است. در احادیث منقول از امامان شیعه علیهم‌السلام نیز تأکید شده که این آیه ناظر به تفویض امر دین به پیامبر و از طریق ایشان به امامان اهل‌بیت است (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۸).

علاوه بر این، در آیه هشتم تا دهم سوره حشر، به ترتیب، از مهاجران و انصار و مؤمنانی که پس از آنان می‌آیند، با اوصافی مدح‌آمیز یاد شده و به مصادیقی از پیوند عاطفی و محبت‌آمیز بین این سه گروه اشاره شده است، از جمله اینکه انصار مهاجران را بر خودشان نیز ترجیح داده‌اند و مؤمنانی که در پی این دو گروه می‌آیند، از خدا می‌خواهند که کینه اهل ایمان را در دل آنها قرار ندهد.

آیه‌های یازدهم تا هفدهم، سیمای منافقانی را ترسیم می‌کند که به گروهی از کافران اهل کتاب و عده یاری و همراهی دادند.